

آخرین بخش از "ماتریالیسم دیالکتیک"  
**آینده قابل پیش بینی نیست**  
**اما می توان آن را ساخت**  
امیرنیک آتین

**فصل ششم - منطق دیالکتیک**

**درس ۴۰- پیش بینی علمی و اهمیت علمی آن**

- ۱- ایده آلیسم و ارتجاع و مسئله پیش بینی
- ۲- ماتریالیسم و پیش بینی علمی
- ۳- پیش بینی علمی و دانش های طبیعی
- ۴- پیش بینی علمی و دانش های اجتماعی
- ۵- اهمیت پیش بینی علمی برای احزاب کمونیست

شناخت درست واقعیت نه فقط به انسان امکان می دهد که از آن برای فعالیت عملی در زمینه های طبیعی و اجتماعی بهره گیری کند و خواست های خود را تحقق بخشد، بلکه همچنین پیش بینی حوادث آینده را هم ممکن می سازد.

(۱)

از دیرباز بشر آرزومند شناختن سرنوشت و آینده خویش بوده است. چه بسا کوشش شده است تا به قرینه رویدادهای نجومی همچون کسوف و خسوف با پیدایش ستارگان دنباله دار سرنوشت ها ارزیابی و تعیین شود و یا بارمل و اسطرلاب رابطه ای بین حرکات و وضع اجسام سماوی با سرنوشت مشخص هر فرد پیدا شود، یا رویاها و تقارن حوادث زمینی و انواع تفال ها دستاویز پیشگویی آینده قرار گیرد و بالاخره به کمک نذر و جادو و نظایر آن آینده، تعیین و سرنوشت عوض شود. ایده آلیسم و عقاید خرافی از جمله در کسوت مذهبی از این توجه بشر به آینده و تمایل به دانستن آن چه بر سر او خواهد آمد و تأثیر بر سرنوشت، سوء استفاده کرده اند و به بنام پیشگو و غیب گو و طالع بین و فالگیر و غیره لشگری از «متخصصین» به راه انداختند که اغلب در سطح اجتماعی، ترس از آینده و بی اعتمادی به آن را ترویج می کردند و انسان را به اطاعت کور و به قبول زنجیرهای ستم فرا میخواندند و چاره ای جز تسلیم و رضا برابر سرنوشت غدار برای بشر نمی دیدند. نمایندگان طبقات استعمارگر، نظام اجتماعی حاکم را لایتنیر و جاودانی معرفی می کنند. از جمله مثلاً شاه ایران نظام پوسیده سلطنت را جزئی از خون ایرانی معرفی می کرد و سرنوشتی آن را در آینده محال می شمرد!

نمایندگان طبقات بهره کش که واقعیات را تحریف میکنند و قصدشان جلوگیری از روند قانونمند تحول است نمی توانند به طور علمی آینده را پیش بینی کنند و پیشگویی های آنها نمی تواند شالوده پالوده پرثمر و عملی باشد. علت آن ماهیت طبقاتی، اغراض طبقاتی و نفع طبقاتی آن هاست چرا که :

۱- نمایندگان طبقه رو به زوال که تکامل تاریخ حکم به نابودی آن ها می دهد، نمی توانند به درستی پدیده های تاریخ را ارزیابی کنند و سمت تکامل آن را در یابند. به قول لنین آن هایی که در سرانسیب سقوط در میغلطند، قادر به محاسبه درست خط سیر خود نخواهند بود.

۲- نمایندگان سرمایه داری و ارتجاع نقش قاطع توده های مردم را در تاریخ به حساب نمی آورند و به این ترتیب قوانین واقعی رشد اجتماع را در نظر نمی گیرند.

۳- جامعه شناسان بورژوازی نیروهای محرکه اساسی تاریخ را نیروهای معنوی و ارادی می دانند و اهمیت قاطع عوامل مادی را در حیات اجتماعی نادیده می گیرند.

۴- جامعه شناسی بورژوازی که به تفکر متافیزیکی متکی است قادر به کشف قانونمندی های واقعی رشد جامعه و دیالکتیک تحول آن نیست.

البته در آن هنگام که بورژوازی طبقه ای بالنده بود و در تضاد با فئودالیسم نقشی مترقی در پیشرفت جامعه ایفا می کرد، نمایندگان آن برخورد جدی و تیزبینانه به مسئله پیش بینی آینده داشتند و اندیشه پژوهش گر آنان قادر بود برخی از خطوط آینده را به درستی ترسیم کند: نظیر اندیشه های اجتماعی انسیکلوپدیست های فرانسوی درباره سا زمان آینده دولتی و جدایی مذهب از حکومت و طرد سلطنت، ولی بورژوازی در مرحله امپریالیسم دیگر آن نقش را به کلی از دست داده، به دشمن ترقی بدل شده، آینده مبشر نابودی اوست و در نتیجه در عرصه جامعه شناسی نیز به کلی کور شده است.

## (۲)

مارکسیسم - لنینیسم که جهان بینی علمی پرلتاریا - طبقه انقلابی پی گیر و ذینفع در ترقی بی وقفه اجتماع است امکان کامل پیش بینی علمی را فراهم می سازد. مارکس و انگلس و لنین و احزاب کمونیست و کارگری نمونه های درخشان صحت و اثر بخشی پیش بینی علمی را در عمل ثابت کرده اند. چرا؟ زیرا که دیالکتیک ماتریالیستی اسلوب علمی تجزیه و تحلیل بغرنج ترین پدیده های اجتماعی را در اختیار ما میگذارد که به وسیله آن می توان آینده را پیش بینی کرد و سمت مبارزه و اشکال درست آن را تعیین نمود.

پایه تئوریک عمومی پیش بینی علمی، فلسفه ماتریالیسم دیالکتیک و ماتریالیسم تاریخی است.

چرا که باید دید و درکی ماتریالیستی از جامعه و جهان داشت و با دیالکتیک رشد و تغییر آن و قوانین عینی حاکم بر آن ها آشنا بود تا بتوان پیش بینی علمی را تدوین کرد:

۱- جهان قابل شناخت است و پیش بینی علمی تنها بر شالوده شناخت عینی قوانین جهان مادی میسر است. باید واقعیت عینی، ماهیت پدیده ها، روابط علت و معلول را شناخت تا به پیش بینی علمی توفیق یافت.

۲- اصل تکامل و قوانین دیالکتیک در بررسی واقعیت عینی باید در نظر گرفته شود. آینده نتیجه تکامل وضع کنونی است و پیش بینی اولاً بر شالوده تحلیل دقیق و عینی گذشته تا حال و ثانیاً بر شالوده تحلیل قوانین رشد حال و تحلیل گرایش ها و راه های رشد حال ممکن خواهد بود. تجزیه و تحلیل قوانین رشد طبیعت و جامعه مهم ترین اصل پیش بینی علمی است.

۳- بررسی اقتصادی - سیاسی شرایط تاریخی مشخص و تحلیل علمی طبقاتی، بررسی زمینه واقعی و وضع نیروهای مختلف اجتماعی شرط دیگر پیش بینی علمی است. باید در هر لحظه معین شرایط مشخص را مثلاً در مورد نیروهای اجتماعی و گروه ها و احزاب سیاسی در شرایط ویژه هر کشور در نظر داشت.

۴- آینده را فقط در خطوط کلی و اساسی رشد تاریخی و در گرایش عمده خود و نتایج اساسی این رشد می توان به طور علمی پیش بینی کرد. صحبت از تعیین دقیق و تقویم وار و رویدادهای آینده در تمام جزئیات و خصوصیات آن نیست. صحبت از منطق عینی تکامل تاریخ و تحلیل وحدت دیالکتیکی دو مقوله تاریخی و منطقی و نه همگونی آن ها است ( زیرا تاریخ انواع خصوصیات، تصادفات، وقایع اختصاصی، پدیده های جنبی و فرعی را در بر میگیرد، در حالی که در منطقی بیان تعمیم یافته و تجرید شده پیش بینی همواره از خلال انواع تصادفات غیر قابل پیش بینی راه می گشاید و به کرسی می نشیند).

۵- سمت و هدف پیش بینی علمی، پراتیک و عمل است. اصول آن جدا و دور از جهان واقع نیست بلکه در خدمت فعالیت بشری برای رسیدن به هدف های معینی است. برنامه فعالیت احزاب کمونیستی و کارگری بر شالوده یک چنین پیش بینی تدوین می شود و به سلاح نبرد برای رسیدن به هدف بدل می گردد.

(۳)

اصول پیش بینی علمی که ماتریالیسم دیالکتیک آن را مدون نموده دارای ارزش اسلوبی (متدولوژیک) عمومی است. در علوم مختلف طبیعی، با تکیه بر شناخت های کافی موجود و قوانین مربوطه می توان رویدادهای مختلف طبیعی را پیش بینی کرد. گرد آوری فاکت ها، تجزیه و ترکیب آن ها و نتیجه گیری علمی مستدل از آن ها با تکیه بر قوانین رشته مربوطه امکان پیش بینی را فراهم می سازد، به نوبه خود هر بار که یک پیش بینی علمی تحقق می یابد دلیلی بر صحت قوانین به کار گرفته شده به دست می آید. مثلاً پیش بینی دقیق زمان «گرفتن خورشید و ماه» (کسوف و خسوف) نشان آن است که شناخت ما از قوانین حرکت ماه و خورشید و زمین درست و مطابق با واقع است. کشف عناصر شیمیایی پیش بینی شده توسط مندلیف نشان درستی قوانین شیمی و فیزیکوشیمی که علم بدان ها دست یافته و درستی جداول عناصری است که او تدوین نموده است. پیش بینی وجود برخی «اجزاء اولیه» ناشناخته و آنتی پارتیکول ها (آنتی الکترون، آنتی نوترن، آنتی هیپرون...) و سپس کشف آن ها در آزمایشگاه های اتمی و دستگاه های عظیم شتاب بخشنده، نشانی از صحت تئوری های فیزیکی مدرن است. پروازهای کیهانی و اجرای برنامه های وسیع علمی در ماه و سیارگان ثمره پیش بینی های علمی ما و نشانی از صحت شناخت ما در زمینه نجوم و فیزیک و علوم تکنیکی است.

تاریخ نشان داده است که تنها دانشمندی که وجود عینی پدیده ها و قوانین و تکامل آن ها را در نظر بگیرند و لااقل به طور خود به خودی و در برخورد با رشته خویش روشی دیالکتیکی، گرچه نا آگاهانه داشته باشند قادر به کشفیات بزرگ علمی و پیش بینی های درست هستند.

(۴)

اهمیت پیش بینی علمی در زمینه تحول جامعه بسیار فراوان است. زندگی ها و سرنوشت ها مستقیماً وابسته بدان است. در این زمینه دیگر منافع طبقاتی به طور مستقیم عمل می کند. پیش بینی رویدادهای اجتماعی و تحولات تاریخی آینده بسیی بغرنج است. تنها پیدایش مارکسیسم امکان داد یک نظریه علمی پی گیر در این زمینه ایجاد شود و پیش بینی علمی میسر گردد. با تکیه بر شناخت قوانین علمی رشد جامعه می توان آگاهانه تحول رویدادهای اجتماعی را بر پایه پیش بینی علمی رهبری کرد.

در گذشته خواستاران جامعه سرشار از عدالت و رفاه، برابری و خرد، دست به پیش بینی هایی درباره جامعه تخیلی آینده می زدند. ولی آن ها حداکثر اندیشه هایی پراکنده اگر چه ارزشمند درباره این یا آن جنبه از حیات آینده اجتماعی بیان داشته اند. از آن جا که پیش بینی آنان بر شناخت قوانین عینی جامعه و نیروهای محرکه واقعی اجتماعی متکی نبود راه به جایی نبردند. سوسیالیست های تخیلی صادقانه خواستار برچیدن بساط سرمایه داری و برقراری عدالت و برابری بودند ولی تنها «خواست» برای تحول جامعه کافی نیست و پیش بینی در حد یک تخیل و آرزو باقی میماند. پیش بینی علمی واقع بینانه آینده که قادر باشد فعالیت های انسان را به سوی هدف های معینی بسیج کند، محتاج شناخت قوانین عینی رشد جامعه است.

پیش بینی مارکسیسم درباره از بین رفتن صورت بندی اجتماعی - اقتصادی سرمایه داری و استقرار سوسیالیسم، علمی و واقعی است و از تحلیل مشخص و عینی اقتصادی و اجتماعی ناشی شده است. مارکس و انگلس قوانین عمده جامعه سرمایه داری را بررسی و تحلیل کرده

و با درک درست واقعیت موجود و گرایش های عمده تحول آن، عمده ترین خطوط جامعه سوسیالیستی و مرحله عالی آن کمونیستی، ویژگی های هر یک از این دو مرحله را به طور علمی پیش بینی کردند.

نیروی پیش بینی علمی مارکسیستی بر تجزیه و تحلیل دیالکتیک و عمیق سرشت پدیده ها و نتیجه گیری های هر مرحله مشخص و گرایش های اساسی رشد آن متکی است. آثار مختلف لنین و ترها و نتیجه گیری های نابغانه او و تحقق پیش بینی هایش در موارد مختلف و متعدد نمونه بارز و تابناک اثر بخشی و درستی و اهمیت اصول پیش بینی علمی مارکسیستی است. پیش بینی علمی اهمیت علمی استثنایی برای فعالیت احزاب مارکسیست - لنینیست دارد.

۱- تدوین برنامه حزب اساسا عبارت است از پیش بینی هدف ها و وظایف مبارزه حزب طبقه کارگر در یک مرحله استراتژیک و بر شالوده ارزیابی دقیق وضع مشخص موجود و بررسی جوانب مختلف واقعیت و نیروهای اجتماعی و تضادهای جامعه.

۲- برای رهبری مبارزه تاکتیکی حزب و وظایف مبرم روز و تشخیص شیوه ها و اشکال اساسی مبارزه نیز پیش بینی علمی دارای اهمیت درجه اول است. جهت یابی در شرایط بغرنج و متضاد و تغییر یابنده مبارزه، دچار نشدن به سر درگمی و پیچ و خم های غیر منتظره، احتراز از اشتباهات فاحش، پیش بینی علمی را ایجاب می کند.

۳- احزاب کمونیست و کارگری تنها بر شالوده اصولی که فلسفه مارکسیسم - لنینیسم تدوین نموده می توانند به پیش بینی های درست و علمی در نبرد استراتژیک و در مبارزه علمی شان دست یابند. از این جهت بررسی دقیق و دائمی و عمیق واقعیت عینی و شرایط تاریخی مبارزه در هر یک از مراحل انقلاب (و سپس ساختمان سوسیالیسم) و تجزیه و تحلیل دقیق ساخت طبقاتی جامعه و آرایش قوا و تناسب نیروها و تغییر آن ها و به کار بستن دیالکتیک ماتریالیستی در برخورد با آن ها، اهمیت درجه اول برای حزب انقلابی طبقه کارگر دارد.

همه این ها فرا گرفتن فلسفه مارکسیستی - لنینیستی را از نظر فعالیت عملی و رهبری مبارزه انقلابی - برای احزاب کمونیست و کارگری و همه انقلابیون راستین ضرور می کند.

برای نگارش این کتاب از چندین درسنامه و واژه نامه و کتب تحقیقی و مقالات و رسالات و اسناد حزبی استفاده شده است به ویژه از:

- درسنامه مسائل اساسی ماتریالیسم دیالکتیک - نوشته گروهی از دانشمندان شوروی به رهبری کورسانف - مسکو ۱۹۶۷

- درسنامه فلسفه مارکسیستی - نوشته اسپیرکین، مسکو ۱۹۶۳

- درسنامه بنیاد آموزش انقلابی - نوشته احسان طبری، انتشارات حزب توده ایران ۱۳۵۰

- درسنامه های مدارس حزبی برخی کشورهای سوسیالیستی

- واژه نامه فلسفی - نوشته روزنتال و یودین، مسکو ۱۹۶۸

- واژه نامه جامعه شناسی مارکسیستی - لنینیستی، نوشته آیهورن، هان، هایدن و دیگران، برلین ۱۹۶۸

- مجموعه مقالات و رسالات نوشته دکتر تقی ارانی، ویژه نامه دنیا شماره ۴ سال ۱۳۴۸

- یاد داشت ها و نوشته های فلسفی و اجتماعی - نوشته احسان طبری - ۱۳۴۶

- اسناد حزب توده ایران و احزاب کمونیست و کارگری

- تاریخ تصوف - نوشته دکتر غنی

- سیری در جامعه شناسی ایران - نوشته دکتر علی اکبر صبحی ۱۳۵۰

- یک درسنامه رسمی تعلیماتی ایران «فلسفه و منطق» برای سال ششم دبیرستان ها چاپ تهران